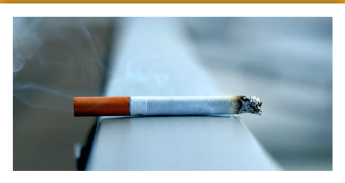


#ممنوعیت غیرقابل کنترل سیگار

آمار دهه‌های ۸۰ و ۹۰ افزایش سیگار کشیدن بین نوجوانان را نشان می‌دهد. در ماده ۱۲ قانون جامع کنترل دخانیات، فروش محصولات دخانی به افراد زیر ۱۸ سال جرم‌انگاری شده است. این جرم‌انگاری در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز مورد تأکید قرار گرفته و برای آن جریمه‌ای در حدود ۱۰ میلیون تومان تعیین شده است اما به گفته بهزاد ولی‌زاده، رئیس دبیر خانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت، در حال حاضر سامانه هوشمندی برای نظارت لحظه‌ای وجود ندارد. او تأکید کرده که دادستانی کل کشور تمام مراکز فروش را ملزم کرده که حتماً تابلوی ممنوعیت فروش محصولات دخانی به افراد زیر ۱۸ سال را نصب کنند. همچنین فاصله حداقل ۱۰۰ متری از مراکز آموزشی باید رعایت شود. ولی‌زاده درباره خسارات اقتصادی مصرف دخانیات در کشور هم گفته است که در حال حاضر به‌دلیل مصرف دخانیات نزدیک به ۵۰همت در سال ضرر به کشور وارد می‌شود.



خبرخوان

سختگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت از ابتدای سال تاکنون بیش از **۶۰۰ هزار** سند مالکیت دفترچه‌ای با درخواست مالکان منجر به تعویض و صدور سند مالکیت تک‌برگ جدنگار شده است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اجرای طرح «سلامت اجتماعی محله‌محور» با محوریت محله‌ها در **۲۵۰۰ مدرسه** سراسر کشور خبر داد که شامل فال‌نگاری سلامت بانزشتگان هم می‌شود.

هشتگ روز

بخش نادیده پرونده داغ این روزها

پرونده پژمان جمشیدی همان موضوعی است که این روزها پایش به گفت‌وگوهای روزمره هم باز شده و خط خبری رسانه‌ها را در دست گرفته است. این پرونده از همان لحظات اولیه با سوآلات زیادی مواجه بود و هنوز نمی‌توان پاسخ روشنی برای تمام ابهامات پیدا کرد. برخلاف انتباهی که قبل از صدور رأی در صفحات خود در شبکه‌های اجتماعی، فرصت را برای حرف‌های یکجانبه مناسب دیدند، بسیاری هنوز منتظرند تا روند بررسی پرونده به نقطه پایان برسد و آنگاه سخن بگویند. با وجود این، به‌دلیل گره خوردن پرونده این سوپراسตาร์ با اتهام « تجاوز به عنف»، کمتر کسی وجود دارد که بتواند چشمان خود را بر خبرها و شنیده‌های مربوط به این موضوع ببندد. همین موضوع موجب شده است انتباهی که وارد گود شده‌اند به ۲دسته حامیان متمهم و حامیان شاکی تقسیم شوند و هر گروه برای صحبت‌های خود دست به چیدن تکه‌های پازل برند. حالا گفت‌وگوی روزنامه هم‌میهن با شاکی و مادرش درچه جدیدی از این پرونده گشوده است. بیان جزئیات پیگیری پرونده از همان لحظات اول، موجب شد که روایت دیگری در پرونده عیان شود. در میان تمام نکات قابل توجه در این گفت‌وگوی مهم، بخشی از گفته‌های مادر و دختر است که برخی از کاربران آن را به‌عنوان نقطه‌ای امیدبخش یاد کردند. در بخشی از گفت‌وگو، خبرنگار به نقل از خانواده شاکی اعلام می‌کند که آنها از همراهی قاضی راضی بودند. هر چند حساسیت افکار عمومی نسبت به این موضوع را می‌توان ملایکی برای سخت‌تر شدن روند پرونده معرفی کرد اما فارغ از نتیجه‌نهایی، باید گفت که واکنش کاربران در چنین پرونده‌های نشان می‌دهد که مردم هنوز چشم امیدشان به همراهی قضات در پرونده‌های سخت و چنجالی است. در میان انبوه اظهار نظرها و حمایت‌های پراهماد در مورد این پرونده جنجالی، شاید بهتر باشد که همه منتظر از بین رفتن هیجان‌های شکل گرفته پیرامون این پرونده باشند و برای فضاهای نهایی منتظر نظر قاضی پرونده بمانند.

نیمی از افغان‌ها می‌مانند

روند اخراج اتباع غیر مجاز افغان که از ابتدای امسال شدت گرفته همچنان ادامه دارد اما تعداد اتباع غیر مجاز که در طول چندین سال وارد ایران شده‌اند،

اصل و شرح

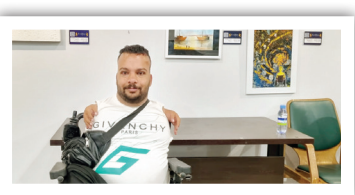
با هنر ایستاده‌ایم

پای درددل تعدادی از هنرمندان دارای معلولیت شرکت‌کننده در جشنواره همام

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار

فرهنگستان هنر تهران این روزها پسر از شور، شوق و هیجان هنرمندانی است که زندگی را به شکل دیگری جان می‌بخشند و مایه امید و ذوق همه‌یازدیدکننده‌های چهارمین فستیوال بین‌المللی همام هستند؛ ۴۳۰ هنرمند دارای معلولیتی که از ۳۱ استان کشور و ۱۴کشور جهان دور هم جمع شده‌اند تا فریاد بزنند همه محدودیت‌های جسمی را نادیده گرفته‌اند تا دنیای زیباتری بسازند.

جشنواره‌ها تنها امید فروش محصولاتمان



محمد تیتونی یکی از هنرمندان خوش‌ذوقی است که با تابلوهای نقاشی منتخبش از کرمان خودش را به این جشنواره رسانده و خیلی امیدوار است بتواند این تابلوها را با قیمت خوب به فروش برساند. او ۲۸ساله است و با وجود معلولیت جسمی و حرکنی

ایران هنرمندان عجیبی دارد

در میان شرکت‌کننده‌های ایرانی، هنرمندان ۱۴کشور دنیا هم در این فستیوال حضور دارند که هر کدام آثار هنری خود را که اکثرادر رشته نقاشی و طراحی است به نمایش گذاشته‌اند. با هر کدام‌شان که حرف می‌زنیم در کنار همهمان نوازی خوب ایرانی‌ها و زیبایی‌های ایران از آثار خارق‌العاده هنرمندان معلول ایران می‌گوییم. آندره بابینسکی یکی از این هنرمندان شرکت‌کننده از کشور بلاروس است. او هم پارالمپیک و صاحب عنوان است و هم هنرمند و نقاش. از وقتی در ایران حاضر شده و تنوع صنایع دستی هنرمندان معلول ایرانی را دیده، می‌گوید: انجام برخی از این رشته‌های هنری آن هم توسط معلولانی که نا توانایی‌های جسمی به خصوص در دست‌هایشان دارند، عجیب و خارق‌العاده است. این هنرمندان اگر در کشور ما بودند، جایگاه بسیار ارزشمند و والایی داشتند و قطعاً هنر شان مورد استقبال مردم زیادی قرار می‌گرفت. او حرف‌هایش را با تعریف و تمجید



آندرز یاد است که نمی‌توان تمام آنها را در زمان کوتاه بازگشت داد. رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در این باره گفت: ما پذیرفته‌ایم که نزدیک به ۵۰درصد از جمعیت ۶ میلیونی مهاجران افغانستانی در فاز نخست طرح کنترل مهاجرت در کشور باقی بمانند تا در مراحل بعدی بتوانیم برای

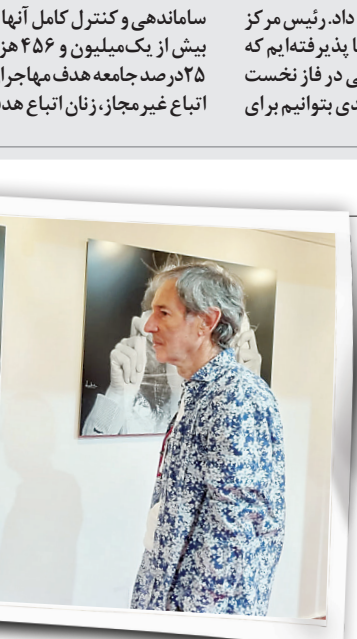
کشور خود را به‌سختی به این جشنواره رسانده‌اند تا بتوانند فقط خود را معرفی و به همه اثبات کنند که محدودیت‌ها مانع حضور پررنگ آنها در جامعه نیست. کافی‌است کمی معلولان جدی گرفته شوند.»

صنایع دستی غریب، معلولان غریب‌تر



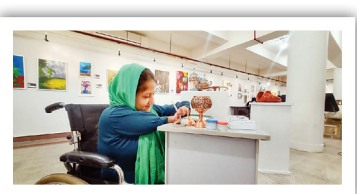
محراب هاشم لو از جانبازان جنگ است؛ کسی که با یک اثر فاخر منتخب یونسکو در این فستیوال شرکت کرده و به قول خودش بیش از ۱۰هنسر اعم از گره چینی، منبت، خراطی، قلم‌زنی و... را روی این پنجره چوبی به کار برده: «هنر ایرانی، هویت ایرانی و تاریخ و فرهنگ ایرانی را به دوش می‌کشد. متأسفانه آثار هنری به قیمت وارزش واقعی در کشور فروخته نمی‌شود. صنایع دستی در ایران غریب است و معلولان هنرمند غریب‌تر؛ این در حالی است که پشت هر اثر هنری ارائه شده در این فستیوال یا فستیوال‌های مشابه کلی ذوق و هنر و دل خوابیده است. باید از آثار این هنرمندان

از ایران به پایان می‌برد و می‌گوید: برخلاف همه آنچه می‌گویند، ایران آرام است و امن. ایساک تسکیبوری شوبلی هم از روسیه به ایران آمده و در این فستیوال شرکت کرده؛ او هم خالق زیبایی‌هایی روی بوم نقاشی و معتقد است، این فستیوال‌ها باعث می‌شود هنرمندان معلول دنیا با هم آشنا شوند و حتی در فروش محصولاتشان به هم کمک کنند. این هنرمند روسی هم با عجیب و زیبا خواندن آثار هنرمندان معلول ایران می‌گوید: استقبال این همه هنرمند ایرانی توانمند از این جشنواره، سطح آن را بسیار بالا برده است. خوان ماه‌یاد توره مولنیدو از اسپانیا از آن هنرمندانی بود که جمعیت زیادی کنار آثارش ایستاده بودند و می‌خواستند این آثار را از نگاه او ببینند: هنرمند تابینایی که برای درک آثارش باید چشم‌ها را ببندی و تمام زوایای آن را لمس کنی. او که آثارش باعث حیرت همه بازدیدکنندگان شده، می‌گوید: دلم می‌خواست آثار هنرمندان ایران را ببینم اما همین حضورم را هم به فال نیک می‌گیرم و از محبت و مهربانی مردم ایران بسیار سرخوش هستم.



به‌عنوان هدایای سازمانی استفاده شود تا زمینه یک رفاه اقتصادی نسبی هم برای آنها فراهم شود.»

در بازار یابی کمک‌مان کنند



حمیله، دخترک هنرمند کرمانی است که با معدود انگشت‌های دستانش بر ظرف‌های مسی فیروزه می‌نشانده؛ دختر خجالتی که حتی از بیان قیمت فروش آثارش هم خجالت می‌کشد و می‌گوید: «فروش، سخت‌ترین کار برای من است. از مسئولان می‌خواهم حامی معلولان در بازار فروش محصولات‌شان باشند تا بتوانند هزینه‌های زندگی خود را تأمین کنند.»

ساماندهی و کنترل کامل آنها اقدام کنیم. به گفته او از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون بیش از یک میلیون و ۴۵۶ هزار نفر از کشور خارج شده‌اند که شامل حدود ۲۵درصد جامعه هدف مهاجران می‌شود. در رویکرد دولت ایران نسبت به اخراج اتباع غیر مجاز، زنان اتباع هدف بازگشت اجباری نیستند.



پدیده‌های همام



زینب علی‌بیگی یکی از پدیده‌های همام است. او همراه دوستانش از شهر گلیم یعنی سیرجان آمده‌اند، اما آثار هیچ کدام‌شان به بخش مسابقه راه نیافته و از این موضوع دلخور است. او نابینای مطلق است که نقشه گلیم را به خط بریل تبدیل می‌کند و می‌بافد. زینب فقط ۲۲سال دارد، اما امیدوار است روزی گلیم‌هایی که می‌بافد به بازارهای صادراتی راه یابد: «بافت گلیم کار سختی است و برای یک نابینای مطلق سخت‌تر. ما جز این جشنواره فضایی برای نمایش توانایی‌هایمان نداریم. کلاش این فستیوال‌ها فصلی برگزار می‌شد.»



چشم‌نوازی فرش ایرانی این بار در کاخ سلطان عمان

فرش ایرانی را در عکس کاخ‌ها، دفاتر ریاست جمهوری و نهاد‌های بین‌المللی زیاد دیده‌ایم؛ که خودنمایی می‌کند و ما را یادین آن لذت برده‌ایم؛ لذتی که هیچ‌گاه

تکراری نمی‌شود؛ از این جهت که هیچ‌جای دنیا نمی‌توانند ایران و هنر ایرانی را نادیده بگیرند. فرش‌هایی که از بر دست صدها زن قالیباف در کارگاه‌های کوچک و بزرگ کرمان،

نام‌های بیگانه برای لباس‌های آشنا

درباره نامگذاری‌های عجیب که از غذای رستوران‌ها شروع شد و حالا به صنعت لباس رسیده است

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار

و غریب شدن اسم غذاها و نوشیدنی‌ها در رستوران‌ها کم بود، حالا کار کشیده به اسم لباس‌هایی که قبلاً

بارانی نه، ترنج‌کت!

با آنکه هنوز سرما و باران پاییزی به کوچه و خیابان‌های تهران نرسیده، بارانی‌های بلند و کوتاه و کاپشن‌های چرمی و پارچه‌ای، ویتربین فروشگاه‌های پوشاک را قبضه کرده‌اند اما اگر مشتریان بخواهند کاپشن بلند بخرند، حتماً فروشنده‌های خوش سر و زبان، کاپشن‌های کلاه‌داری را به آنها پیشنهاد می‌کنند که با خز دور لبه کلاه‌شان به کاپشن‌های قدیمی بی‌شبهت نیستند. ولی اسم بر طمع‌طراق «پارکا» آنها را از سایر کاپشن‌های بلند سوا می‌کند. شاید هم فروشنده‌ها کمی ترندهای روتاشناسانه چاشنی کارشان کنند و به بهانه استایل بارانی‌پوش‌ها در فصل پاییز، مشتری را برای خرید یک «ترنج‌کت» مجاب کنند. البته این ترنج‌کت همان شکل و شمایل سنتی بارانی‌های آزاد یقه‌انگلیسی را دارد و فقط نامش در چند سال اخیر از بارانی به ترنج‌کت تغییر کرده است.

بفرما کاردیگان

داستان خاص شدن نام لباس‌ها و فراگیری آن بین فروشگاه‌ها به چند مورد ختم نمی‌شود. مثلاً لباس‌های بافتنی جلوبازی که سال‌ها به نام ژاکت می‌شناختیم، حالا «کاردیگان» نام گرفته و به اندازه قیمت نجومی‌اش، ارج و قربش بالا رفته است! شلوارها هم که پیش از این اسامی سرراستی مانند دمپا و راسته داشتند، با پس و پیش شدن چند سانتی‌متری خط دوخت و برش‌شان به ده‌ها گروه تقسیم شده‌اند و شلوارهای لوله‌تفنگی، شلوار اسکینی نام گرفته‌اند و اسم دمپاگشادها را بوتکت گذاشته‌اند. شلوار راحتی را هم باید «جاگر» بگوییم و از تفاوت شلوارهای مام‌فیت‌فانلند کمربتش با شلوارهای مام استایل کمردار سردربیاوریم.

مثل آن‌ورآبی‌ها

میترا اکااوند که از طراحان لباس و فعالان صنعت مد و پوشاک است، این نامگذاری‌ها را نتیجه نابلسامانی این صنعت می‌داند و می‌گوید: «چند سال پیش با تشکیل کارگروه ساماندهی مد و لباس برای سر و سامان دادن به صنعت پوشاک تلاش‌هایی انجام شد که اگر اصولی و ممتد پیش می‌رفت، می‌توانست نامگذاری البسه را هم قانونمند کند، اما به ندرت رسیدن این تلاش‌ها باعث شد در این مورد هم نگاه صرفاً تجاری داشته باشیم.» این فعال صنعت مد و لباس نامگذاری‌های امروزی لباس‌ها را ترفندی برای هموایی نام‌ها با برندهای پرآوازه خارجی و افزایش فروش می‌داند و می‌گوید: «اغلب اسامی جدید لباس‌ها به اسامی برندهای پوشاک خارجی شباهت دارد و تشابه اسمی باعث می‌شود نام این برندها برای مصرف‌کننده آشنا شود. بسیاری از افرادی که در صنعت پوشاک به‌دنبال جوشان تلاش می‌کنند با تغییر یافته مصرف‌کننده ایرانی زمینه فروش بیشتر برندهای خارجی را فراهم کنند و تغییر اسامی پوشاک در رسیدن به این هدف نقشی اساسی دارد.»